

# جهانی شدن، حق خوش‌نویسی ماست

خوشنویسی بعد از انقلاب  
در گفت‌وگو با استاد امیراحمد فلسفی

علی شیرازی \*

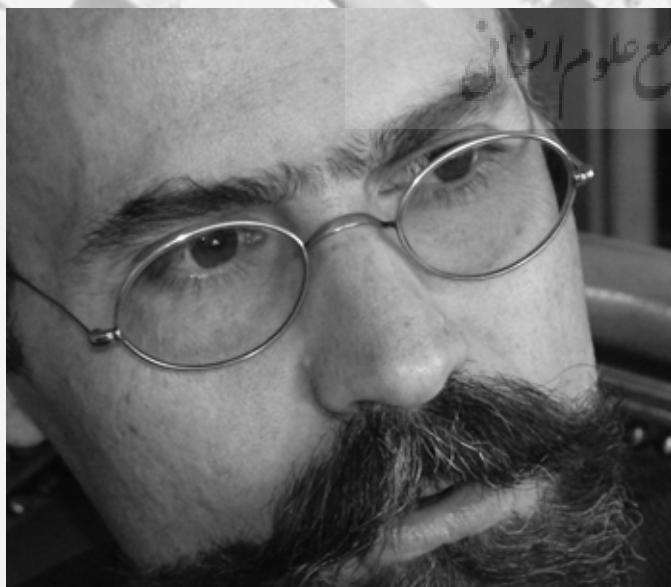
کتاب ماه

شهر بهمن ۱۳۸۷

۱۶

شهرستان گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



# کارنامه استاد امیراحمد فلسفی متولد ۱۳۳۷ در شهر اهواز، از همان سال اول دبستان با هنر خوش‌نویسی مانوس شد. معلم ایشان، ابن‌علی بابایی متخصص خط تحریری و در این زمینه بسیار با ذوق بود و ساعت‌های بسیاری را صرف آموزش دانش‌آموزان برای تعلیم خط ریز و نستعلیق می‌کرد. تابلوی «راستگو سرافراز است» به خط بابایی که در کلاس نصب شده بود، الگوی خوش‌نویسی فلسفی خردسال قرار گرفت. بدین‌گونه وی از سال سوم دبستان به‌صورت جدی به پی‌گیری آن پرداخت. وی در حدود ۱۳ سالگی با کپی‌برداری موفق از روی خط استاد میرعماد و تشویق نزدیکان با جدیت بیشتر و به‌صورت نیمه‌حرفه‌ای به کار خوش‌نویسی می‌پردازد. از سال ۱۳۵۵ در انجمن خوش‌نویسان از محضر استاد حسن میرخانی بهره برد و از سال ۱۳۵۷ تلمذ نزد استاد کیخسرو خروش را به‌صورت مکاتبه‌ای و حضوری آغاز و از سال ۱۳۵۸ از محضر استاد غلامحسین امیرخانی نیز کسب فیض کرد و از ایشان درس‌های بسیار آموخت.

پس از گرفتن دیپلم برای ادامه تحصیل به کشور هندوستان رفت ولی به دلیل عدم دستیابی به رشته‌ی مورد علاقه به ایران بازگشت و ادامه تحصیل داد. با تعطیلی دانشگاه‌ها در زمان انقلاب فرهنگی قصد بازگشت به هندوستان را داشت که با شروع جنگ و بسته‌شدن مرزها این امر میسر نشد.

در سال ۱۳۵۹ برای نخستین بار آزمونی در انجمن خوش‌نویسان برگزار شد که ایشان بدون آمادگی و تنها به اشاره‌ی استاد امیرخانی در آن شرکت کرد و برخلاف انتظار به‌عنوان مدرس انجمن انتخاب شد. این امر موجب شد تا ایشان به‌طور جدی و حرفه‌ای به خوش‌نویسی بپردازد و پس از چندی دریابد که راه زندگی‌اش در این هنر رقم خورده است.

استاد فلسفی در سال ۱۳۷۸ از طرف انجمن خوش‌نویسان به دریافت مدرک استادی نایل شد و امروز بیش از ۲۸ سال است که به تدریس این هنر می‌پردازد. الهه خاتمی، همسر و شاگرد استاد فلسفی، نخستین بانوی ایرانی است که در رشته‌ی نستعلیق به درجه استادی رسیده و او نیز به تدریس خوش‌نویسی مشغول است.

**با نقد و بررسی خوش‌نویسی در سده‌های که از انقلاب می‌گذرد، شروع می‌کنیم؛ خوش‌نویسی به‌عنوان یک هنر ملی، سنتی، مذهبی و صددرصد ایرانی.**

خوش‌نویسی، هنری جهانی است، ولی سهم ایرانیان در آن خیلی پررنگ است.

**حداقل خوش‌نویسی پارسی یک هنر صددرصد ایرانی است مثل موسیقی که مخلوط شده باشد.**

طبیعتاً از سلیقه‌های مختلف فرهنگ‌های گوناگونی که ایرانیان با

آن در ارتباط بودند تأثیر پذیرفته است. خوش‌نویسی صدها سال پیش از اسلام در ایران وجود داشته، بعد از اسلام با وجود این که اغلب کتاب‌هایی که وجود داشت سوزانده شد و از بین رفت ولی مقدار اسناد باقی مانده پیش از اسلام که در کشورهای دیگر پیدا شده، نشان‌دهنده‌ی حضور خوش‌نویسی قاعده‌مند در ایران باستان است. این را یکی از هنرجویان قدیمی بنده آقای بهرام برومند موضوع پایان‌نامه‌ی فوق‌لیسانس خود قرار داد و دو سال پیش به‌عنوان پایان‌نامه‌ی برتر انتخاب شد. تحقیق مفصل در قواعد خوش‌نویسی و انواع خطوط رایج در ایران باستان برای نخستین بار در این پایان‌نامه انجام شده که بسیار قابل تأمل است. وجوه مشترک بسیاری میان خوش‌نویسی پیش و پس از اسلام وجود دارد و این نشان‌دهنده اصالت هنر خوش‌نویسی و حضور بسیار جدی آن در ایران بوده است. بعد از اسلام هم سهم ایرانیان در تکمیل و ترویج خوش‌نویسی بسیار پررنگ بوده است. با وجود دامنه‌ی تمدن اسلامی از آفریقا تا چین ولی سهم ایرانیان در این زمینه بسیار زیاد بوده است. خطوط شش‌گانه‌ی ثلث، نسخ، محقق، ریحان، توقیع و رقاع از میان خطوط متنوعی که تا آن زمان به وجود آمده بود، انتخاب شده و آن را به این مقله بیضاوی فارسی منسوب می‌کنند که مبدع و تکمیل‌کننده‌ی این خطوط بوده است. بنابراین سهم ایرانیان از همان ابتدا مشخص و پررنگ بوده ولی به این بسنده نکرده‌اند و در طی قرون پنجم و ششم هجری به تدریج با خلق خطوط تعلیق و پس از آن نستعلیق که در قرن هشتم نشانه‌هایی از آن به وجود آمد و از قرن نهم به بعد سیر تکاملی خودش را طی کرد، خطی مخصوص خودشان ابداع کرده‌اند که در زبان عرب به خط فارسی مشهور است؛ به دلیل این که نستعلیق



موردپسند و توجه خوش‌نویسان، هنرمندان و هنردوستان آن کشورها هم قرار گرفته است.

**در این سه‌دهه بیش‌تر خط نستعلیق مورد توجه قرار گرفته است؟ در این مورد بهتر است خوش‌نویسی معاصر را بررسی کنیم.**

در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه سوربن سخنرانی‌ای داشتم راجع به ۷۰ سال خوش‌نویسی معاصر و در آن‌جا دوره‌ی خوش‌نویسی استادانی را مورد توجه و تحلیل قرار دادم که خوش‌نویسان معاصر آن‌ها را درک کرده‌اند. ما که نسل امروز خوش‌نویسی هستیم، شاگرد کسانی بوده‌ایم که دوره‌ی اوج آن‌ها از حدود ۷۰ سال پیش به این طرف بوده است.

#### منظورتان چه کسانی است؟

مرحوم استاد علی‌اکبرخان کاوه، مرحوم استاد سیدحسین میرخانی و مرحوم استاد سیدحسن میرخانی که این‌ها سردمداران نستعلیق‌نویسی معاصر بودند و دوران خوش‌نویسی آن‌ها از حدود ۸۰-۷۰ سال پیش آغاز شد. این‌ها شاگردان بی‌واسطه‌ی عمادالکتاب و سیدمرتضی برغانی، پدر میرخانی‌ها بودند که او شاگرد بی‌واسطه‌ی محمدرضا کلهر بوده است.

مقدمه و ریشه‌ی این ۳۰ سال که دوره‌ی شکوفایی مجدد خوش‌نویسی است از ۵۰-۴۰ سال پیش آغاز شده است. آخرین خوش‌نویس نسل گذشته مرحوم استاد محمدحسین عمادالکتاب بوده که در دوره‌ی قاجاریه و اوایل دوره‌ی پهلوی اول زندگی می‌کرده و کار هنری‌اش را در آن دوره بحرانی انجام داده است. با رفتن عمادالکتاب دوره‌ی خوش‌نویسی قدیم تمام شد و تمدن گذشته؛ فرهنگ، آداب و رسوم و مظاهر زندگی قدیم از دوره‌ی قاجاریه به پهلوی که رسید به کلی تغییر پیدا کرد.

مقارن ظهور پهلوی دوم (۱۳۱۹) که سال پس از آن رضاشاه

در اصل برای زبان فارسی تنظیم و طراحی شده است. پس از آن نیز از قرون دهم و یازدهم دست به ابداع خط ایرانی خالص‌تری زدند و شکسته‌نستعلیق را به وجود آوردند که در کشورهای دیگر چندان استفاده نمی‌شود. منتها این خط بیش‌تر جنبه‌ی تزیینی دارد. آن چیزی که امروز به نام خط فارسی و ایرانی مشهور و رایج گردیده، خط نستعلیق است که در سال‌های اخیر در کشورهای دیگر بهتر شناخته‌شده و به‌شدت



به جزیره‌ی موریس تبعید می‌شود، رادیو تأسیس می‌شود و چند دهه‌ی قبل از آن ضبط صوت و صفحه گرامافون وارد می‌شود، حدود ۱۳۰۸-۱۳۰۷ نخستین فیلم‌های ایرانی مثل «آبی و رابی» ساخته می‌شود یعنی سینمای ایران متولد می‌شود و مقارن ۱۳۲۰ و سقوط پهلوی اول خوش‌نویسی قدیم دچار رکود و تحول می‌شود، یعنی هنرهای ما یک‌به‌یک دچار دگرگونی و تطاول می‌شود.

پس از آن خوش‌نویسی دیگر به آن معنا وجود ندارد؛ هنوز هم ندارد و به شکلی دگرذیسی ایجاد می‌شود، با ورود تمدن جدید و پدیده‌های متنوع آن و تغییر شکل ظاهری جامعه و خواست‌ها و نیازهای آن هنرها و ساختار سنتی جامعه تغییر کرده و به تبع آن دچار انفعال می‌شود.

مدرنیسم با ظهور پهلوی‌ها سرعت و رشد فزاینده‌ای پیدا می‌کند که مقدار زیادی از این سرعت متأثر از سرعت مدرنیسم عصر حاضر و قرن بیستم است. ولی مقداری از آن هم تحت تأثیر مدرنیسم پوشالی است که پهلوی‌ها می‌خواستند به مردم ایران حقیقه کنند. بدون این‌که ما فرایند مدرنیزاسیون را طی کرده باشیم طبق نهضت عقیمی به نام مشروطه یا تاریخ بیداری سیدجمال و دیگران، بخشی از آن را طی کرده‌ایم. آن‌ها به یک‌باره از مردمی که از عصر رمانتیسیسم خارج نشده بودند که هنوز هم نشده‌اند، ذهنی فکر می‌کنند، شرقی هستند و سنت‌های ملی - مذهبی دارند و یک ملت سرکوب شده‌اند - خواستند به اجبار چادر را بردارند. طبق همین سیاست سعی می‌کردند مدرنیسم خودشان را به مردم حقیقه کنند که به این ترتیب انقلاب اسلامی را می‌توان به‌نوعی واکنش سنت به مدرنیسم تحمیلی دانست. به لحاظ فرهنگی، تاریخی و قومی، پایان کار خوش‌نویسی قدیم و عمادالکتاب جقدر با

این قضیه و چقدر آن با مدرنیسم طبیعی که داشت همه جهان را می‌گرفت، مرتبط است.

شما وارد حاشیه‌های شدید که البته در بخشی بی‌ارتباط با هنر نیست ولی بخش‌هایی از آن تحلیل سیاسی اجتماعی بود که مربوط به بحث هنری ما نیست و من در آن بخش وارد نمی‌شوم.

به هر حال همه‌ی ما متأثر از فرهنگی هستیم که در آن حضور داریم و رشد و نمو می‌کنیم. ده‌ها بلکه صدها سال است که ما درگیر جریان‌های هستیم که مدیریت‌ها را بهترین‌ها به عهده ندارند. اگر نخواهیم خیلی

دور برویم قایم‌مقام، امیرکبیر و امثال آن‌ها را در مصدر کار داشته‌ایم اما به زودی از میان برداشته شدند. یعنی بهترین‌های ما به دلایل مختلف نتوانستند دوام بیاورند. شرایط به‌گونه‌ای نبوده که ما از مدیریت شایسته برخوردار باشیم؛ مواقعی متوسط بوده و زمانی اصلاً خوب نبوده است. این امر شامل تمام دورانی می‌شود که در این تمدن جدید ما را از قافله‌ی کشورهای پیشرفته امروزی عقب رانده است. این انفعال که بهتر است به‌طور کلی راجع به آن حرف بزنیم، باعث شد پدیده‌های جدید سنت‌ها و به تبع آن هنرهای سنتی ما را کنار بزنند. به این دلیل که ما نتوانستیم همراه تمدن جدید پیش برویم و خودمان را تنظیم کنیم، خوش‌نویسی کنار رفت و با ورود صنعت چاپ به‌تدریج دچار رکود شد.

کارگاه‌های کاغذسازی و مرکب‌سازی، سفارش‌ها و کاربردهای خوش‌نویسی از گردونه خارج و پدیده‌های جدید جای‌گزین آن شد و باعث شد نسلی که صدها بلکه هزاران سال هنرهای سنتی را ادامه می‌داد و به مدیریت کاردان نیاز داشت نتوانست دوام آورد، زیرا همیشه مدیران فرهنگی جامعه هنرمندان را هدایت می‌کردند.

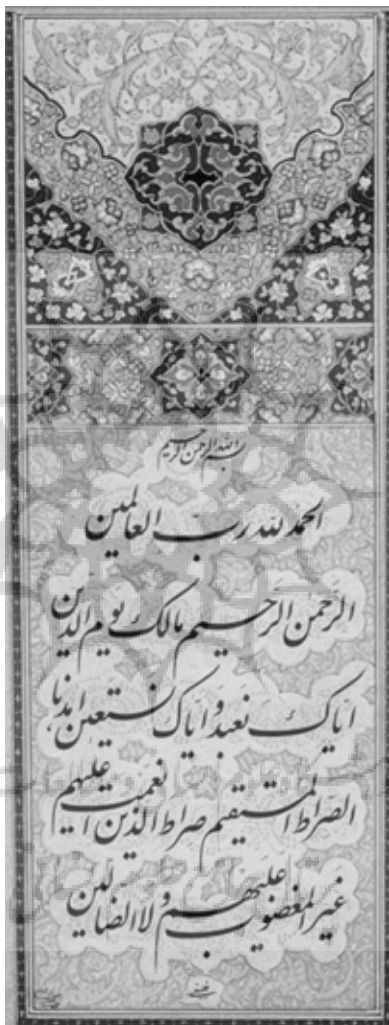
به نظر شما اگر در کشوری شعر می‌درخشید و در میان تمام فنون و هنرها برجسته می‌شود یا اگر سینمای کشوری جهان‌گیر می‌شود به دلیل مدیریت درست آن به دست متولی دولت است؟

اگر زمینه برای بروز هر پدیده‌ای مساعد نباشد آن پدیده ظهور پیدا نمی‌کند. ممکن است گاهی اوقات در شرایط سخت بوته‌های هنری هم زده شود، اما در حالت عادی بیش‌تر تمدن‌های درخشان در شرایط مناسب، قدرت و مدیریت خوب ظاهر شده‌اند. آخرین نشانه‌های تمدن درخشان ما دوره‌ی صفوی است که در آن دوران ایران قدرتمند و از یک مدیریت قوی و یک پارچه و در سطح خودش مدرانه‌ای برخوردار بود.

تحت لوای صفویان چه هنرهایی رشد کرد؟

معماری، خوش‌نویسی، مینیاتور، تذهیب و... به‌نوعی در دوره‌ی صفویه موسیقی هم در سنت‌های مذهبی، عزاداری و مراثی که آن زمان تحریم بودند، توانست تجدید حیات کند.

به‌طور کلی در دوره‌ی صفویه فرهنگ و هنر ایران آخرین دوره‌ی درخشان خود را سپری کرد. در دوره‌ی ناصرالدین شاهی که کشور به یک ثبات نسبی رسیده بود، کمرنگ‌تر از دوره‌ی صفویه، بخشی از هنرها از جمله تذهیب، خوش‌نویسی و معدود هنرهای دیگر مجال



شکوفایی پیدا کردند. اگر معماری، کاشی کاری و... را با دوره‌ی صفویه مقایسه کنیم، می‌بینیم در سطح پایین‌تری از آن قرار دارد، چون پادشاه یا مسؤولان فرهنگی کشور نسبت به دوره‌ی قبل از آن ضعیف‌تر ظاهر شده‌اند و کشور از توان کم‌تری برخوردار بوده است. بنابراین لزوماً این هنرمند نیست که به ثمررساننده‌ی جریان هنری است، بلکه هنرمند جریان هنری را می‌آفریند اما با حمایت و مدیریت مناسب می‌تواند به نتیجه برسد.

**پس هنرمند مانند یک مسافر، در نقطه‌ای از مسیر همراه قافله‌ی رشته هنری می‌شود، یعنی اتفاق‌ها در جایی دیگر سمت‌وسو پیدا می‌کند و در بستری جریان دارد که این شخص از نیمه‌راه وارد می‌شود. این تعبیر درست است؟**

هنرمند جزو اصلی و تعیین‌کننده‌ی آن کاروان است، اما این‌ها یک مجموعه هستند. کاروان یک بار مادی-معنوی دارد و کسانی این کاروان را، حمایت و محافظت می‌کنند. کسی که راهنمای کاروان است و مسیر را تعیین می‌کند اگر به بی‌راهه برود هر قدر بار کاروان گران باشد به مقصد نمی‌رسد. اگر محافظان آن ضعیف باشند و شبیخون زده شود کاروان متلاشی می‌شود، اما این محافظان نیستند که بار فرهنگی به کاروان می‌دهند، بلکه محافظت می‌کنند بنابراین، این مجموعه با هم است که به مقصد می‌رسد. هنرمند جزء اصلی و بار فرهنگی و مادی آن کاروان می‌تواند تلقی شود اما لزوماً خودش نیست که موفقیت را تضمین می‌کند. بار فرهنگی و مغز متفکر کاروان و تعیین هدف و مقصد کار هنرمند است و ایجاد شرایط رسیدن به مقصد کار مدیران کاروان است. **در مجموع هنرمند در زمان عمل، تعیین‌کننده‌ترین فرد در حیطه‌ی هنری خود و اثری است که می‌خواهد بیافریند و تأثیری است که می‌خواهد بگذارد، اما حضور و کار هنرمند به‌عنوان یک جزء دست‌خوش اتفاق‌های فرامتنی آن حیطه می‌شود که متولیان یکی از مهم‌ترین عنصرهای تأثیرگذار بر آن حیطه هستند.**

بسیاری از آثار و اندیشه‌های هنرمندان و فرهنگ‌وران جوامع مختلف به دلایل گوناگون از جانب متولیان امور در زمان خودشان، عقیم مانده است. برای نمونه امیرکبیر در دورانی ظاهر شد که به ثمر نرسید. اگر ناصرالدین شاه با امیرکبیر همراهی می‌کرد حتماً ایران در موقعیت بهتری قرار می‌گرفت، جنبش مشروطه پس از آن هم می‌توانست پخته‌تر و موفق‌تر عمل کند.

جامعه مانند پرنده‌ای است که به دو بال فرهنگ و هنر و نیز مدیریت مدبرانه نیاز دارد تا پرواز موفقی داشته باشد. برگردیم به بحث اصلی: در انتهای دوران سنتی به دوره‌ی رکود می‌رسیم. در این دوره استادانی که در ابتدا نام بردم و از سردمداران خوش‌نویسی معاصر محسوب می‌شوند، (استاد سیدحسین و سیدحسن میرخانی، استاد کاوه و چند نفر دیگر مثل استاد ابراهیم بوذری و استاد زنجانی

در نسخ و ثلث) خوش‌نویسی را زنده نگه داشتند.

### رکود دوره‌ی پهلوی اول چند سال طول کشید؟

دوره‌ی رکود تا چند سال پیش از انقلاب ادامه داشت و از زمانی که انجمن خوش‌نویسان تأسیس و شروع به فعالیت کرد خوش‌نویسان مستعد در دوره‌ی جدید شروع به نشو و نما کردند. انجمن از حدود سال ۱۳۲۸ تأسیس شد اما دوران تأثیرگذاری آن ۱۵-۱۰ سال پس از تأسیس شروع می‌شود، یعنی از حدود سال ۴۰ به بعد نتیجه‌ی کار انجمن مشخص‌تر و نسل جدید خوش‌نویسی به‌تدریج معرفی شدند.

جای خوشحالی است که برای تکمیل بحث و نشان‌دادن آینه‌وار عمل‌کردن برای بازتاب خوش‌نویسی این سه‌دهه، شما به چهار دهه پیش از آن و حتی تاریخ هنر در ایران به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با حکومت‌های وقت نقب زدید. شما بیان کردید ۱۵ سال طول می‌کشید تا خوش‌نویسان که به نظر من شاید در جایگاه یکی از موفق‌ترین نهادهای صنفی برای رشد، ترویج و ارتقا، حفظ داشته‌ها و افزودن برداشته‌ها در یک رشته‌ی هنری در ایران قرار دارد، وارد عمل شود. عده‌ای معتقدند دهه‌ی ۴۰ دهه‌ی طلایی تناثر ایران، دهه شکل‌گیری موج نوی سینمای ایران و یکی از بهترین دهه‌های شهری ماست. همین‌طور در زمینه‌ی ادبیات و شاید بهترین کتاب طنز ما در دهه‌ی ۴۰ نوشته شده و اتفاق‌های بسیار دیگر. بخش زیادی از گنجینه‌ی موسیقایی ما مربوط به دوره‌ی گل‌های رادیو و متعلق به این دهه است.

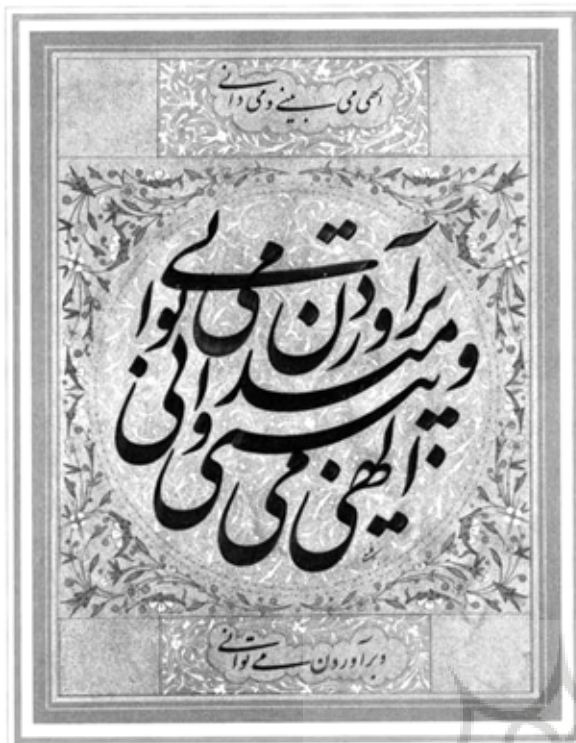
خیلی از جریان‌های سیاسی هم که در دهه‌ی ۵۰ به موفقیت‌هایی دست پیدا می‌کنند، در دهه‌ی ۴۰ شکل می‌گیرند. به چه دلیل در دهه‌ی ۴۰ این قدر گل روییده است؟

زمینه‌هایی مثل دوران مشروطیت، پیروزی‌ها و شکست‌ها و به دنبال آن فعالیت چندهم‌ی دانشگاه‌های مختلف در ایران و توجه برخی از متولیان به هنر پس از رکود در زمانی که یک آرامش نسبی فراهم می‌شود، باعث می‌شود پویندگی در زمینه‌های مساعد به وجود بیاید. در دهه‌ی ۴۰ که من در دوران کودکی شاهد آن بوده‌ام، انجمن‌های ادبی یا فعالیت‌های علمی دانشگاه جندی شاپور در اهواز، زمینه‌ی دهه‌های قبل از خود را داشته است. در خوش‌نویسی، استادانی که نسل اول دوره‌ی معاصر ما محسوب می‌شوند این زمینه را فراهم کردند و آن را با تلاش و عشق نگه داشتند و زمانی که پدیده‌های جدید، هنر مدرن و نقاشی مدرن آمد، عده‌ای با توجه به هنر خوش‌نویسی سنتی و عده‌ای دیگر با توجه به هنر نقاشی و زمینه‌ی نقاشی‌خط که در گذشته وجود داشت و با تمرین، تجربه و ذوق و استعداد خود از دهه‌ی ۴۰ به بعد شروع به هنرنمایی کردند و دهه‌ی ۵۰ برای خوش‌نویسی دهه شکوفایی محسوب می‌شود.

نسل دوم استادان امیرخانی، احصایی، مافی و عده‌ای دیگری بودند که چه در خوش‌نویسی سنتی و چه خوش‌نویسی مدرن حرف تازه‌ای برای گفتن داشتند و نسل جدیدی از خوش‌نویسی را معرفی کردند. بنابراین زمینه‌ی ۳۰ سال بعد از انقلاب به ۲۰ سال قبل از آن برمی‌گردد و کسانی که در ۲۰ سال پیش از آن شروع به شکل گرفتن کردند به دوره‌ی پختگی و استادی رسیدند. مرحوم رضا مافی که شاگرد استاد حسین میرخانی بود در ادامه خوش‌نویسی سنتی به نقاشی خط روی آوردند. همین‌طور استاد محمد احصایی که با خوش‌نویسی سنتی شروع کردند و بعد به نقاشی خط پرداختند یا استاد جلیل رسولی که از دهه‌ی ۴۰ نزد استاد حسن میرخانی شروع کردند و در دهه‌ی ۵۰ نقاشی‌خط به شکوفایی رسیدند. استادان سنتی کار دیگری هم مثل مرحوم استاد عبدالله فرادی بوده‌اند که صرفاً خوش‌نویسی کلاسیک می‌کردند و بیش‌تر به آموزش می‌پرداختند و چهره ارزشمند و تأثیرگذاری بودند، استاد محمد سلحشور که امروز سابقه‌شان از همه بیش‌تر است و استاد عباس اخوین هم صرفاً به کار سنتی پرداخته‌اند ولی تأثیر بسیاری بر نسل بعد از خود گذاشته‌اند.

استاد کیخسرو خروش هم شاگرد استاد حسین میرخانی بودند که کار سنتی کرده‌اند و شکوفایی‌شان از دهه‌ی ۵۰ شروع شد. همین‌طور باید از استاد نصرالله افجه‌ای که نقاشی‌خط کار می‌کنند و متعلق به همان دوره هستند، نام برد. البته کسانی دیگر هم بوده‌اند. این‌ها فعال‌ترین و اثرگذارترین هنرمندان دورانی بوده‌اند که تقریباً از ۵۰ سال پیش دوره‌ی هنرجویی، تأثیرگذاری یا شکوفایی‌شان را شروع کرده‌اند. زمان انقلاب شروع اوج و بالندگی این هنرمندان بود و کسانی که در قید حیات‌اند هنوز در دوره‌ی اثرگذاری به سر می‌برند و هنرآفرینی می‌کنند.

پس می‌توان گفت زمینه این ۳۰ سال، ۲۰ سال پیش از انقلاب است به‌ویژه دهه‌ی ۵۰ که دوران شکوفایی و تأثیرگذاری این استادان شروع می‌شود.



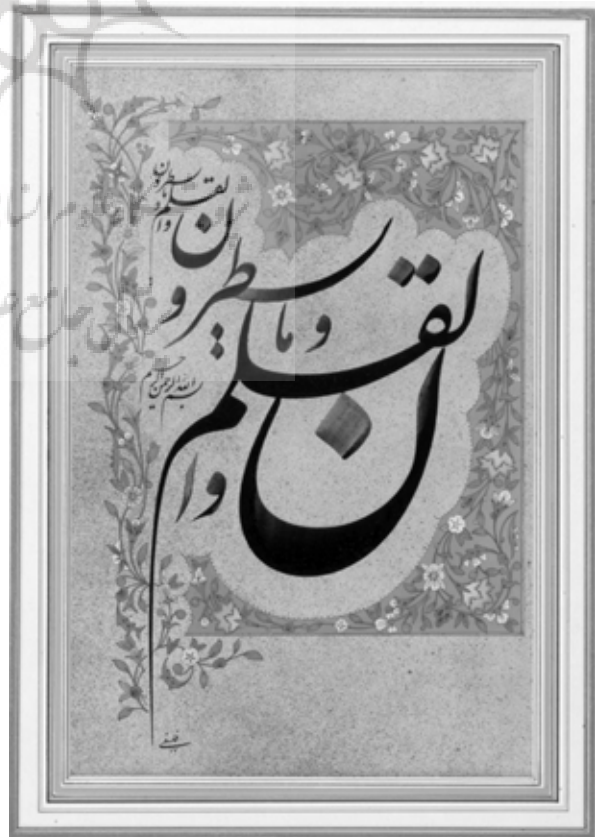
در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شاه می‌رود و یک نظام جدید که اسلامی است، حاکم می‌شود. دو پتانسیل وجود دارد که بالفعل شده و خیلی غنی است؛ یکی انجمن خوش‌نویسان که سال ۱۳۲۸ تأسیس شده و حدود ۳۰ سال از شکل‌گیری، رونق و رسیدن به نقاط عطف آن می‌گذرد و دوم این‌که در دل این انجمن افراد شاخصی به وجود می‌آیند که ما می‌توانیم برای چنین هنری به خود ببالیم؛ خوش‌نویسی پارسی و خوش‌نویسان پارسی‌نویس؛ پارسی‌نویسانی که همه در اوج هنرنمایی هستند. حسن خوش‌نویسی این است که برخلاف بعضی هنرها اعم از ایرانی و وارداتی مثل موسیقی، تئاتر و سینما مشکل شرعی ندارد و حتی علما با وجود سیاست‌گذاری و نظارت به این هنر، به واسطه‌ی کتابت‌های قرآن، مفاتیح و نهج‌البلاغه تعلق خاطر دارند، یعنی ما خیلی مشکلات را از نقطه صفر نداریم. با چنین مواردی چگونه خوش‌نویسی حیات جدید خود را سال ۱۳۵۷ در نظام جدید شروع می‌کند و در ادامه چه اتفاق‌هایی برای آن می‌افتد؟

تحولات اجتماعی در شکل‌گیری و حتی جهت‌گیری پدیده‌های جامعه نقش مهمی دارد. بعد از انقلاب زمینه برای تعدادی از رشته‌های هنری محدود و برای برخی هنرها بازتر و مساعدتر می‌شود. خوش‌نویسی از هنرهایی است که از ابتدا حتی پیش از اسلام در خدمت معنویات بود و یک هنر قدسی محسوب می‌شد، در این زمینه نسبت به هنرهای دیگر محدودیت کم‌تر و ظاهراً امکانات بیش‌تری برای بروز داشت. البته سرمایه‌گذاری درستی در این زمینه نشد و مدیران از زمینه‌هایی که وجود داشت به‌درستی استفاده نکردند. این‌گونه نبود که مدیران با یک برنامه فرهنگی و پشتیبانی درست بخواهند از خوش‌نویسی حمایت کنند علی‌رغم این‌که این هنر ریشه‌های عمیق و همه‌جانبه فرهنگی در

جامعه‌ی ما دارد. بسیاری از شیفتگان هنر به خوش‌نویسی روی آوردند اما کسی از آن حمایت اساسی نکرد. هیچ مدیری هیچ بودجه‌ای برای خوش‌نویسی در نظر نگرفت. اگر هم اتفاقی در این زمینه افتاد از جانب خوش‌نویسان یا معدود کسانی که دلسوخته‌ی این امر بودند، صورت گرفت. انجمن خوش‌نویسان در این دوره رشد فزاینده‌ای داشت و علت آن اقبال مردم و شرایط مناسب بود. در این میان بیش از هر کسی استاد امیرخانی این جریان خوش‌نویسی را هدایت کردند، به نحوی که انجمن خوش‌نویسان پابرجا بماند و رشد کمی و کیفی داشته باشد.

**معمولاً نهادهای صنفی با اختلاف‌هایی در ایستگاه‌هایی اول و دوم به وجود می‌آید یا به حاشیه کشیده می‌شوند و ایده‌ها، اساسنامه‌ها و مرامنامه‌های اولیه‌شان متوقف می‌شود یا این‌که منشعب می‌شوند و از لحاظ فعالیت راه به جایی نمی‌برند. چگونه انجمن دچار چنین مسایلی نشد؟**

مسایل انجمن از وجوه مختلف قابل ارزیابی است اما به‌طور کلی انجمن شاید قدیمی‌ترین، پابرجاترین و مؤثرترین مؤسسه‌ی هنری در کشور است. شاید به دلیل ریشه‌های قوی تربیت معنوی خوش‌نویسان و حضور استادان بزرگ در کنار یکدیگر است که پابرجا مانده. انجمن نهاد صنفی‌ای است که پیش از انقلاب وزارت فرهنگ و هنر بودجه آن را تأمین می‌کرد ولی یکی، دو سال پس از انقلاب این بودجه قطع شد و وزارت ارشاد اعلام کرد خودتان باید آن را اداره کنید و تبدیل به یک انجمن صنفی و در حقیقت خودگردان شد. البته هنوز هم زیر نظر وزارت ارشاد است مانند انجمن‌های دیگر و هیچ بودجه و کمکی مگر به صورت اتفاقی دریافت نمی‌کند.



**چقدر از موفقیت و تداوم حیات مثبت خوش‌نویسی را مرهون این توفیق اجباری می‌دانید که مجبور به داشتن استقلال شدید و با وجودی که هنرهای دیگر با نوسان دسته و پنجه نرم می‌کردند، انجمن با قدرت به کار خود ادامه داد؟ چقدر این مورد که دولت قیم نهادی نباشد، مؤثر است؟**

اگر نهادهای برنامه، اهداف بلندمدت و مدیریت ثابت داشته باشد و افرادی کارشناس در مصدر کار باشند که بخواهند و بتوانند با بودجه مناسب کار کنند، می‌توان به موفقیت آن امیدوار بود.

در آن شرایط دوره‌ی جنگ و تغییر مدیریت‌های مختلف شاید اقتضا می‌کرد دولت انجمن را رها کند اما این شرایط ایده‌آل نیست. اگر دولت، مدیریت انجمن را، حمایت و پشتیبانی می‌کرد، با برخورداری از آزادی عمل مناسب، حتماً رشد و شکوفایی بهتری حاصل می‌شد. چنان که امروز می‌بینیم کشورهای عربی و ترکیه با برگزاری جشنواره‌ها، سخنرانی و سمینار چاپ مجلات معتبر و کتاب‌های خوش‌نویسی و ایجاد ارتباط با یکدیگر خوشنویسی دنیا را اداره می‌کنند اما ایران در آن نقشی ندارد. آن‌ها با سفارش و خرید آثار درجه‌یک هنری و خوش‌نویسی به شکل‌های مختلف نبض خوش‌نویسی را به دست گرفته‌اند.

**چرا انجمن برای برپایی جشنواره اقدام نمی‌کند؟**

انجمن هم درگیر معضل مدیریتی است ساختار تشکیلاتی انجمن مناسب شرایط امروز نیست و چون رأی اکثریت تعیین‌کننده‌ی آن است اصلاح آن نیز مقدور به نظر نمی‌رسد، مدیریت هم ثابت و تخصصی نیست و بودجه‌ی کافی در اختیار ندارد.

**انجمن باید به‌طور مشخص مسایل خود را با اداره هنرهای**

**تجسمی وزارت ارشاد حل و فصل کند؟**

نه، انجمن زیرمجموعه‌ی جایی نیست. برگزاری نمایشگاه به مرکزی مربوط می‌شود که می‌خواهد نمایشگاه آنجا برگزار شود و آن‌ها باید برای گرفتن مجوز از ارشاد اقدام کنند. انجمن اساسنامه مستقلی دارد که صرفاً مجوزش را از ارشاد می‌گیرد اما جز حضور نماینده‌ی وزارت ارشاد در انجمن، دخالت خاصی در امور انجمن نمی‌شود. از طرفی امور کلی انجمن هماهنگ با وزارتخانه اداره می‌شود.

**چرا انجمن برای برپایی جشنواره‌ها و جهانی ساختن این هنر گران قدر فکری نمی‌کند؟**

ما باید انجمن و شرایطی را که در آن وجود داشته و دارد تحلیل کنیم تا به نتیجه برسیم. به هر حال این امر از توان امروز انجمن خارج است و نیاز به زمینه‌های قبلی دارد تا انجمن از لحاظ مدیریتی، بودجه و حمایت‌های دولتی این قدرت را داشته باشد و بتواند برنامه‌های جهانی ارائه کند.

پس نتیجه می‌گیریم هنر خوش‌نویسی به دلیل نبودن انجمن، مجموعه خوش‌نویسان و هنر خوش‌نویسی در این سه‌دهه متضرر شده است. ما شاهد بودیم سینمای ایران در حدود یک‌دهه‌وآندگی جهان‌گیر شد و نخل طلای کن را که معتبرترین جایزه سینمایی کنونی است به دست آورد، «بچه‌های آسمان» مجید مجیدی نامزد جایزه اسکار شد و سینمای ایران در دوره‌ای بسیار خوب عمل کرد. تلاش‌های مدیران دولتی، صرف‌نظر از این‌که آسیب‌هایی

هم به همراه داشت، به دلیل نوع نگاه و نظارت‌شان، آن ثمره را هم به بار آورد.

اشتباه نشود. آن چیزی که ما از ابتدای انقلاب از دولت انتظار داشتیم، دولتی شدن نبود، بلکه حمایت دولتی بود به دلیل این که انجمن غیرانتفاعی بوده و هست و کم‌ترین شهریه را میان مؤسسه‌های هنری از هنرجو دریافت می‌کند و برای این که به رشد و بالندگی مورد نظر خود برسد نیاز به حمایت دولتی به معنای حمایت مدیریتی، معنوی و مادی داشت.

**دولت ایدئولوژیک ذاتاً سیاسی است و چیزهایی با خودش می‌آورد و نمی‌توان از آن فقط حمایت صرف انتظار داشت.**

ابتدای انقلاب از حدود سال ۱۳۵۸ که انجمن شورایی شد، پیوسته در شورای عالی انجمن ۲ نماینده‌ی وزیر ارشاد حضور داشتند که بیش‌تر یا همه آن‌ها چهره‌های فرهنگی بودند مثل دکتر حسین الهی قمشه‌ای، آقای موسوی‌گرمارودی، دکتر محمدرضا قنبری و... البته کسانی دیگر هم از مدیران ارشاد بوده‌اند. این گونه نبود که وزارت ارشاد نظارت نداشته باشد، اما حمایتی که با وجود انجمن قدرت پیدا کرده و یک NGO جهانی بشود، وجود نداشت. حمایت مدیریت کلان این گونه است که خود اداره‌ی آن را در دست نگیرد اما از بالا حمایت مالی، معنوی و مدیریتی صورت دهد و در صورت لزوم ارتباط‌های جهانی را تقویت کند تا زیر مجموعه یا انجمن تحت حمایت او بتواند با آزادی عمل رشد کند. چیزی که ما از ابتدای انقلاب می‌خواستیم حمایت و آزادی عمل در سایه‌ی قانون بود. در آغاز برخی متولیان خواستار دولتی‌شدن انجمن بودند که ما مخالفت کردیم و انجمن استقلال خود را حفظ کرد، اما به حمایت دولتی نیاز داشتیم چون بودجه‌ای در اختیار ما نبود و نمی‌خواستیم مانند مؤسسه‌های خصوصی بودجه خود را از طریق هنرجو تامین کنیم. با وجود تمام این مشکلات، موفق‌ترین انجمن مستقل هنری کشور بوده و بالاترین راندمان را از لحاظ کمی و کیفی دارا بوده است، اما تا شرایط آرمانی فاصله‌ی بسیار داریم.

### آرمان شما چیست؟

جهانی‌شدن و نبض خوش‌نویسی دنیا را در دست گرفتن؛ چیزی که حق خوشنویسی ماست.

### راه کارهایی برای این هدف بزرگ دارید؟

غیر از موارد گفته شده؛ باید دانشگاهی شویم. خوش‌نویسی خالص‌ترین هنر ایرانی است که همه چیز آن و تاریخ آن متعلق به ماست. در این باره وعده و وعید داده شده ولی هیچ اقدام عملی‌ای صورت نگرفته است. همه‌ی منابع خوش‌نویسی در اختیار ماست. کشورهای عربی و اسلامی هم منابعی دارند که کاملاً با ما مرتبط و هم‌ریشه است. از دوهزار سال پیش در ایران هنرمندان بسیاری که اکثر آنها شناخته شده و آثارشان موجود است، هنر آفرینی کرده‌اند و این خوش‌نویسی را به یک فرهنگ وسیع و عمیق مبدل ساخته‌اند. مالک و مؤلف در خوش‌نویسی ما بوده و هستیم، بنابراین می‌توانیم در این رشته‌ی هنری توانا‌ترین باشیم. این حق خوش‌نویسی است که یک رشته معتبر دانشگاهی باشد زیرا زمینه و استعداد آن را دارد و هنری است که حرف‌های نگفته و کتاب‌های ننوشته بسیار دارد.



### با این مقوله مخالفت می‌شود؟

موافقت نمی‌کنند؛ ممکن است که مخالفتی هم در میان نباشد اما موافقت و همراهی هم در کار نیست. در دانشگاه‌های هنر رشته‌های بسیار مهجور سنتی و هنرهایی که در مقایسه با خوشنویسی در جامعه تأثیرگذاری کم‌تری دارد به‌عنوان یک رشته دانشگاهی پذیرفته شده‌اند. هر سال در کشور بیش از ۵۰-۴۰ هزار هنرجوی خوش‌نویسی در بیش از ۲۲۰ شعبه رسمی انجمن و کلاس‌های آزاد مشغول فعالیت هستند. همین تعداد می‌توانند در دانشکده‌ی خوش‌نویسی مشغول تحصیل شوند و این پتانسیل بسیار قوی برای یک رشته‌ی هنری است.

به‌طور قطع خوش‌نویسی تنها هنری است که از چنین موهبتی برخوردار است. انجمن‌هایی مثل سینمای جوان در جذب و پرورش هنرجو بسیار محدودتر هستند و به نیمی از این موفقیت هم نمی‌توانند دست پیدا کنند. چه عاملی باعث شد شما از اختلاف جلوگیری کنید؟

وقتی ۲ نفر می‌خواهند کاری را انجام دهند اختلاف‌نظر شروع می‌شود که طبیعت آدمیزاد است. وقتی تعداد بیش‌تر شود اختلاف‌نظر و سلیقه هم بیش‌تر می‌شود. در کشور ما به دلیل این که بیش‌تر اوقات افراد در زندگی و کارشان فردی عمل می‌کرده‌اند، کار جمعی همیشه با مشکلات همراه بوده است.

از ابتدای شورایی شدن انجمن این مشکل را داشتیم که طبیعی هم بوده ولی شاید به دلیل قداست و تربیت خاصی که در خوش‌نویسی و هنرمندان خوش‌نویسی وجود دارد، این اختلاف نظرها باعث فروپاشی انجمن نشده است. البته حلقه‌ی اتصال قوی‌ای مثل استاد امیرخانی وجود داشته که علی‌رغم اختلاف‌هایی که هنوز هم وجود دارد و برخی استادان با انجمن همکاری نمی‌کنند، اما مجموعه‌ی انجمن به‌عنوان



یک ارگان آموزشی توانسته پابرجا بماند و وسیع‌ترین طیف خوش‌نویسی را هدایت و سرپرستی کند و از دل انجمن استادان امروزی رشد کرده‌اند. استادان نسل دوم هم که در دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ عمر خود به سر می‌برند، به‌نوعی شاگرد استادان نسل اول انجمن بوده‌اند، بنابراین مجموعه‌ی خوش‌نویسی معاصر را می‌توان شاگردان و تربیت‌یافتگان انجمن خوش‌نویسان قلمداد کرد که همین‌طور هم هست.

### چقدر از مقام و شخصیت برجسته و با نفوذ استاد امیرخانی جنبه‌ی کاریزماتیک و چقدر آن جنبه‌ی سنتی و مراد و میریدی دارد؟

استاد امیرخانی متعلق به نسل گذشته و امروز هستند یعنی در مقطعی از تاریخ قرار گرفته‌اند که هم استادان گذشته را درک نموده‌اند و هم با معاصران کار و زندگی کرده‌اند و با بهره‌گیری از سنت‌ها و تلمذ نزد عرفا و مطالعه‌ی تاریخ گذشته و تحولات اجتماعی امروز، نگاه تاریخی‌ای به جامعه و خوش‌نویسی دارند، به همین دلیل می‌توان گفت هم زبان گذشتگان را خوب فهمیده‌اند هم زبان معاصران را و با تدبیر و از خودگذشتگی توانسته‌اند هم جنبه‌ی مرید و مرادی را حفظ کنند و ترویج بدهند و هم زمینه‌های استقلال‌طلبی را که به ویژه در نسل جوان



وجود دارد، درک کرده و با آن تعامل داشته باشند.

### یعنی به هنرجویان مستعد فرصت رشد داده‌اند.

طبیعت ماجرا اقتضا می‌کند که نسل معاصر را درک کنیم و استاد به خوبی این درک را از خود نشان داده‌اند و نه تنها با این جریان همزیستی داشته بلکه هدایت و همراهی هم کرده‌اند و نسل قدیم و جدید را به‌نوعی با هم تلفیق داده به نحوی که امروز هم حرمت به‌طورنسبی حفظ شده است.

ویژگی‌های شخصی استاد امیرخانی را برشمردید؛ درباره‌ی خودشان، گذشته، حال و کارنامه‌شان و رابطه‌ی ایشان با مجموعه‌ی خوش‌نویسان فعلی و هنر خوش‌نویسی. ما می‌توانیم جای اسم استاد امیرخانی اسم استاد محمدرضا شجریان را بگذاریم و به‌جای هنر خوش‌نویسی، نام هنر آواز را قرار بدهیم، اما هر دو این عزیزان و بزرگواران در نقطه‌ای دیگر هم با یکدیگر تالاقی می‌کنند؛ در آواز نسلی که دارد تجربه پیدا می‌کنند و نخستین دهه‌های حضورش را در این عرصه تجربه می‌کند همگی مقلد صرف شجریان هستند و آواز از مجرای ایشان تداوم

حیات پیدا می‌کند، حتی تقلید جزءبه‌جزء و نقطه‌به‌نقطه.

شنیده‌ام که در هنر خوش‌نویسی هم همین داستان درباره مرام و خط استا امیرخانی در حال اتفاق افتادن است. شما چقدر

### با این موضوع موافق‌اید و نظرتان در این باره چیست؟

وجوه مشترکی بین این دو استاد بزرگوار و تأثیرگذار وجود دارد و چهره‌های ملی-هنری ما هستند. البته در جاهایی هم تفاوت وجود دارد مثلاً استاد امیرخانی در این ۳۰ سال سکاندار انجمنی بودند که از لحاظ کمی و کیفی رو به رشد بوده و همه‌ی زندگی و نیروی خود را صرف حمایت و هدایت این مجموعه کرده‌اند.

### من فکر می‌کنم استاد امیرخانی مخالفان جدی ندارند؟

هر آدم بزرگی مخالفان بسیاری دارد. این طبیعت اجتماع است. درباره‌ی مسایل هنری و اجرایی اختلاف سلیقه همیشه وجود دارد. استاد امیرخانی وارد کار مدیریتی و اجرایی شدند و باید مجموعه‌ی انجمن را که هم کار هنری و اجرایی می‌کردند و هم توقعات گوناگون داشتند، سرپرستی و هدایت می‌کردند. اداره این امر مشکلاتی را در بر دارد که به دنبال آن اختلاف‌نظر پیش می‌آورد اما درباره‌ی تأثیر، پیروی و تقلید افراد از این دو بزرگوار، من در آواز تخصصی ندارم ولی آن‌چه می‌شنوم این است که تأثیرگذارترین استاد معاصر، استاد شجریان هستند، اما کسانی هم هستند که تابع شیوه‌های دیگرند. تنوع در رشته‌ی هنری رشد و بالندگی بیشتری در آن به وجود می‌آورد. چنان‌چه شیوه‌های ماندگار و ریشه‌دار الگوی کار قرار گیرند.

به شکلی که دوام داشته باشند مسیر تکاملی را طی می‌کنند. درباره‌ی استاد امیرخانی می‌توان گفت هم از لحاظ وجهه‌ی فرهنگی و اجتماعی و هم از نظر خوش‌نویسی تأثیرگذارترین فرد هستند و بیش‌تر خوش‌نویسان معاصر با شیوه‌ی ایشان یا متأثر از شیوه ایشان کار می‌کنند، اما با توجه به این‌که در ۲۰ سال اخیر خطوط استادان قدیم و استادان جدید که تابع شیوه‌های قدیم هستند بیش‌تر در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته، سلیقه‌های مختلفی به کار آمده و خوش‌نویسان بسیاری به تجربه‌های مختلف دست زده‌اند.

از این نظر آینده‌ی خوش‌نویسی با دوره‌ی کنونی آن متفاوت است و با تنوع بیش‌تری روبه‌رو خواهیم بود. نقشی که استاد امیرخانی و سبک ایشان در ۳۰ سال گذشته ایفا کرده نقش حیاتی و سرنوشت‌ساز در خوش‌نویسی معاصر بوده است.

مشهور است که کار جمعی یا به سرانجام یا به سامان نمی‌رسد. اگر هم برسد به سامان به سرانجام نمی‌رسد. به نظر من دلیل این‌که ما هم‌وزان خوبی نیستیم و صدای ارکسترهای ما خیلی موزون و خوشایند نیست و از تعدادی تک‌نواز تشکیل شده که هر کسی ساز خودش را می‌زند، تاریخی، اجتماعی و ایرانی است که صددرصد با استعداد و استعمار هم رابطه داشته است. یعنی اگر در سینما، گروه و در ورزشی‌های گروهی، تیم خیلی جواب نمی‌دهد چون یک نظام هماهنگ و پنجه در پنجه نیست که هدف و دل‌شان یکی باشد، در خوش‌نویسی ما از اساس چنین چیزی را نداریم. درست است که ما یک نهاد صنفی داریم که درست عمل کرده و در داستان هر ولایتی، هر هنرمند خوشنویس

حکمران ولایت خویش و بازیگر نقش اول است که اثر خود را می‌آفریند و داستان پس از آفرینش اثر آغاز می‌شود؛ اگر رقابتی، حرف و سخنی و اختلافی هست، من فقط مقایسه می‌کنم. اگر تنگ‌نظر و حسادتی و چشم و هم‌چشمی‌ای هست، بعد از آفریدن اثر است. هنرمند کارش را انجام داده و حرفش را زده، در ادامه ممکن است مشابهت‌های درصدی، کمی تا قسمتی و تمامی با بقیه‌ی حیطه‌ها و حوزه‌ها پیدا کند.

تک‌نواز به ذات بودن این هنر چه میزان حرف مرا تأیید می‌کند؟

فردی بودن هنر خوش‌نویسی یک واقعیت است. وقتی کسی بتواند به تنهایی اثری از خود بیافریند، به‌طور طبیعی تحت تأثیر این جریان قرار می‌گیرد و کافی است احساس بی‌نیازی بکند و شاگردان و طرفداران حلقه‌ای به گرد خود داشته باشند، احساس نیاز او به دیگران کم می‌شود. ممکن است در مواردی نتواند نظر دیگران را تحمل کند و از نظر خود کوتاه بیاید تا جمع به نتیجه‌ای برسد. این طبیعت ماجراست. حال اگر کسی جمعی فکر کند، به دموکراسی معتقد و آن را تمرین و تجربه کرده باشد و به آن احترام بگذارد، موردی است که نمونه‌های بسیار ندارد. در جامعه ما فرصت این که مردم دموکراسی را تجربه کنند و نسل‌هایی در این جریان تربیت بشوند تا تحمل شرایط کار جمعی را داشته باشند، پیش نیامده تا بتوانند با هم فکر کنند و تصمیم بگیرند و هر کس به سهم خود قانع باشد تا جمع به نتیجه بهتری برسد. ما دچار این مشکل هستیم که با وجود این که در این دنیا زندگی می‌کنیم تابع جریان‌های امروز نیستیم. طبیعتاً در خوش‌نویسی که یک هنر کاملاً فردی است، این مشکلات می‌تواند به صورت مضاعف وجود داشته باشد. اگر اختلاف سلیقه و نظر به جنگ و دعوای فاحش کشیده نمی‌شود، ناشی از تربیت‌های خاص فرهنگی است که در ذات خوش‌نویسی وجود دارد و ما به صورت توفیقی اجباری با فرهنگ، عرفان، ادب و هنر در رابطه هستیم. بخواهیم یا نخواهیم این فرهنگ در ما نفوذ می‌کند و حضور بهترین اندیشه‌ها و سخن‌ها در خوش‌نویسی موجب می‌شود خوش‌نویس از تربیت نسبتاً مناسبی برخوردار گردد. نگاه مردم به خوش‌نویس همواره محترمانه با لباسی از قداست و توقع معلمی و راهنمایی معنوی بوده است.

**خوش‌نویسی از لحاظ اجتماعی هنرمندی تک‌نفر، تک‌اندیش، تک‌رو و تک‌نویس است و همه چیز در خلوت و بهترین ساعت‌های تنهایی‌اش و تقریباً بدون حضور و دخالت هر عنصر دیگر و نظارت و سفارش - هر چند سفارشی‌نویسی هم وجود دارد - اتفاق می‌افتد. خوش‌نویسی از نظر اجتماعی ایرانی‌ترین هنر ایرانی است، نظر شما چیست؟**

در بخش قبلی در مورد پیشینه‌ی خوش‌نویسی دو هزار ساله‌ی ایران اشاره‌ای داشتم. هنری با این قدمت و قداست و خلوص می‌تواند این خصوصیت را داشته باشد.

ما مشکلات برخاسته از ضوابط زیاد داشته‌ایم که نمی‌توان همه را هم منفی دید. مثلاً در موسیقی شعر باید تصویب شود و در چاپ شعر، متن شعر باید از نظر ممیز بگذرد، کتاب، فیلم و تئاتر باید ممیزی بشوند. هنرهای تجسمی جز خوش‌نویسی هم

اگر انجمن یا سازمانی که بتواند خوش‌نویسی را جهانی کند و از طریق ایران مدیریت و هدایت بشود، در نظر گرفته شود تا نگاه‌ها و آثار هنری خوش‌نویسان و هنرمندان جهانی را جذب و تولید فکر و هنر خوش‌نویسی بکند، مجله معتبری داشته باشد و دانش خوش‌نویسی را اشاعه دهد، در این زمینه اعتباری به دست می‌آوریم که حق فرهنگ و هنر ایران است.

مشکلات عدیده‌ای از لحاظ معیارهای بصری جامعه دارند که باید اخلاقی باشند و ... که خوش‌نویسی فارغ از همه‌ی این مشکلات است.

بجز این‌ها مواردی که دولت برای نظارت بر این هنر مشکلی ایجاد کند، وجود دارد؟

اوایل انقلاب این حالت وجود داشت و جنبه‌های شعاری بیش‌تر مد نظر آنها بود. بعضی هم علاقه‌مند بودند انجمن به‌طور کامل دولتی شود و حتی سرمشق‌ها از سوی وزارتخانه تعیین شود، اما با استقامت و رفتار فرهنگی و به‌ویژه استاد امیرخانی به‌عنوان پیر خوش‌نویسی معاصر، موجب حفظ استقلال انجمن شد. الان از جانب دولت هیچ فشاری نیست، با وجود این هیچ حمایتی هم از سوی آنان نمی‌بینیم که حق خوش‌نویسی ادا بشود. دو ضرورت خیلی مهم وجود دارد؛ یکی این که خوش‌نویسی دارای یک دانشکده شود که هر چه دیر شود ضرر آن برای فرهنگ و هنر بیش‌تر است، دوم خوش‌نویسی ایران باید از نظر مدیریتی و اجرایی جهانی شود که نیاز به مدیریت و سرمایه‌گذاری مناسب دارد.

اگر انجمن یا سازمانی که بتواند خوش‌نویسی را جهانی کند و از طریق ایران مدیریت و هدایت بشود، در نظر گرفته شود تا نگاه‌ها و آثار هنری خوش‌نویسان و هنرمندان جهانی را جذب و تولید فکر و هنر خوش‌نویسی بکند، مجله معتبری داشته باشد و دانش خوش‌نویسی را اشاعه دهد، در این زمینه اعتباری به دست می‌آوریم که حق فرهنگ و هنر ایران است. ما خواستار تحقق این دو مورد هستیم که حق خوش‌نویسی است. به اعتقاد من دولت مدیون است و باید این دین را ادا کند.

دولت برخلاف اصرار بر حفظ سیطره‌ی خود بر دیگر

عرصه‌های هنری و فرهنگی، بعد از ۳۰ سال هنوز نگاهی متولیان به هنر خوشنویسی ندارد، علت این امر چیست؟

در ارشاد مدیریت برای خوشنویسی وجود ندارد. از طرفی مدیریت‌های هنری ثابت نیستند.

در سینما هم این‌گونه نیست، ولی در اول کار هر وزیری معاون سینمایی‌اش را انتخاب می‌کند و سینما زیر سیطره‌اش باقی می‌ماند.

تمام این‌ها در حیطه‌های دیگر هم هست ولی دولت اصرار دارد پروانه‌ی نمایش ساخت فیلم و مجوز کتاب و موسیقی را خودش صادر کند.

میان خوشنویسی و برخی هنرها تفاوتی وجود دارد که اصولاً خوشنویسی از طرف دولت نیاز به سانسور ندارد، چون خوشنویسی هم کار خودش را انجام می‌دهد و هم برخوردی با معیارهای وزارتخانه ندارد، دولت احساس نمی‌کند باید کاری برای آن انجام دهد.

دولت نگاه دیگری هم به خوشنویسی دارد که تبلور آن را در سفارشی‌نویسی‌ها می‌بینیم و به مناسبت‌هایی به خوشنویسانی سفارش می‌دهد که به آن کارهای مناسبتی می‌گویند و هنرمندان نیز انجام می‌دهند.

این بخش را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه معایب و محاسنی در پی داشته است؟ بزرگ‌ترین متولی سفارش‌نویسی خوشنویسی در ایران طبعاً دولت است؟

خیر، اصلاً این‌طور نیست، بخش خصوصی است که بیشترین سفارشات و خرید آثار خوشنویسی را تأمین می‌کند.

برای چه کارهایی؟

تابلوه‌های خوشنویسی و کتابت، برای مجموعه‌های خصوصی و چاپ به صورت‌های مختلف مانند دیوان اشعار، آلبوم‌ها که از سوی بخش خصوصی سفارش داده شده یا خریداری می‌شده است. سفارشات برای چاپ در دهه‌ی ۷۰ بیشتر از مواقع دیگر بود.

حجم این سفارش‌ها بیش‌تر از سفارش‌های دولتی بوده؟

البته در سؤالات قبل پاسخ دادم. دولت در این زمینه کاری انجام نداده، فقط چند سالی در نمایشگاه‌های قرآن تعداد کمی سفارش داشته که خوش‌نویسان انجام می‌داده‌اند و اگر غیر از آن سفارشی صورت

می‌گرفته مقطعی بوده و برنامه‌مَدونی در کار نبوده است.

خوش‌نویسی مشغول کار خود است و دولت نسبت به خوش‌نویسی

احساس نیاز نمی‌کند که بخواهد به هنرمندان خوش‌نویس سفارشی بدهد، در حالی که هم‌اکنون سفارش‌های خوش‌نویسی خارج از کشور

خیلی بیش‌تر از داخل کشور شده است. کلکسیونرهای خارج از کشور درک می‌کنند آثاری که به دست هنرمندان درجه‌یک خوش‌نویسی ایران

تولید می‌شود، ارزش دارد و آن را خریداری می‌کنند، امادولت در این

میان سهمی ندارد. حتی آن یک‌درصد از بودجه عمرانی کشور که به نیم‌درصد تبدیل شد و باید صرف خریداری آثار هنری می‌شد، فقط

یک دوره اجرایی شد و آن را هم قطع کردند، در حالی که کم‌ترین کمک دولت همین یک‌درصد برای خرید آثار هنری درجه‌یک برای

وزارتخانه‌ها و مؤسسات دیگر به صورت‌های گوناگون است. همیشه‌ی تاریخ در هر جای دنیا، بهترین آثار هنری حاصل سفارش بوده‌است اگر

خریدار اثر هنری نباشد زندگی یک هنرمند چگونه بگذرد. بهترین آثار هنری، سفارش پادشاهان، امراء، مجموعه داران و امثال آنها بوده است.

بررسی آثار هنرمندان بزرگ دنیا به‌ویژه در دوران گذشته این واقعیت را نشان می‌دهد، اما کسانی بوده‌اند که این جریان را هدایت کرده‌اند.

بهترین خوش‌نویسی‌های ما حاصل سفارش کتاب‌خانه‌های سلطنتی، پادشاهان، امراء یا افراد متمولی که دوست داشته‌اند قطعه‌ای، قرآنی یا

مرقعی داشته باشند و جایی کتیبه‌ای نوشته شود، بوده‌است. کار درجه‌یک در هر جای دنیا که باشد گران است. مردم عادی نمی‌توانند اثری هنری

را که گران است سفارش بدهند یا خریداری کنند. طبعاً این وظیفه را کسانی انجام می‌دهند که از عهده برآیند. اگر این افراد فرهنگی و

تاریخی هم فکر کنند، یک جریان هنری، فرهنگی و تاریخی ایجاد می‌شود. روشن است که اگر سفارش‌دهنده‌ی خوب نباشد اثر هنری

خوب هم تولید نمی‌شود مگر معدود آثاری که هنرمند برای احساس و دل خود خلق می‌کند. دولت در این زمینه وظیفه دارد یا اثر هنری خوب

را سفارش دهد یا خریداری کند.

سفارش‌دهنده‌های بخش خصوصی که اوج آن دهه‌ی ۷۰

بود، چه تأثیری از هنر خوش‌نویسی گرفتند و چه تأثیری بر آن گذاشتند؟

امکان تولید آثار درجه یک از خوش‌نویسان معاصر به وجود آمد که

بگو کلکسیونرهای

در اختیار همه هست و زمینه بررسی، مطالعه، فراگیری و آموزش برای طالبان این هنر در آن وجود دارد. اگر بخواهیم آثاری را به کشورهای دیگری که به خوش‌نویسی توجه دارند عرضه کنیم، می‌توانیم از این آثار استفاده کنیم. این طبیعی است که اگر آثار هنری بخواهد در اختیار عموم قرار گیرد باید چاپ شود که اگر سفارش چاپ آن وجود نداشته باشد از این نظر هم دستمان خالی خواهد بود.

هم‌اکنون که وضعیت بازار کتاب را کد شده است، دولت باید حمایت کند تا آثار نفیس خوش‌نویسی و هنرهای دیگری که قابلیت چاپ دارد به صورت مناسب چاپ و در اختیار عموم قرار بگیرد و کسانی که نمی‌توانند تابلو را تهیه کنند یا سفارش بدهند، دست‌کم چاپ‌شده‌ی نفیس آن را در اختیار داشته باشد. با نوشتن چند دیوان شعر فرهنگ، هنرمندی، خوشنویسی، نقاشی و... تمام نمی‌شود. این هنر پیوسته آثار بدیع می‌آفریند و باید به شکلی به جامعه عرضه شود. اصل آن باید خریداری و در موزه‌ها، مجموعه‌های خصوصی یا گالری‌ها برای علاقه‌مندان به نمایش در بیاید، چاپ آن هم به صورت آلبوم و کتاب باید در اختیار علاقه‌مندان قرار بگیرد.

**چه افرادی از میان جوان‌ها و میان‌سالان در این سه دهه از هنرجویی به هنرمندی رسیدند، چه جریان‌هایی به وجود آمده و چه امیدی در شما ایجاد کرده است؟**

با توجه به این دوره‌ی ۷۰ ساله به‌ویژه برای نسلی که ما در آن قرار داریم، خوش‌نویسی تحول یافته و به سمت شکوفایی پیش رفته است و اکنون ما در بطن دوران شکفتگی خوش‌نویسی قرار داریم. این جریان حتماً ادامه خواهد داشت، چون عده‌ی زیادی به هنر خوش‌نویسی توجه نموده و استعداد و خلاقیت‌شان را صرف این جریان هنری کرده‌اند. در ۳۰ سال اخیر نسل جدیدی از خوشنویسی شکل گرفته که حاصل آن استادان پس از انقلاب هستند که در خطوط مختلف و بیش از همه در خط نستعلیق حضور دارند. از سال گذشته که شورای ارزشیابی پس از مدت‌ها توقف به‌طور جدی کارش را دوباره در انجمن شروع کرد ما توانسته‌ایم نسل جدید خوشنویسی را که به مرحله‌ی استادی رسیده‌اند معرفی کنیم و اعطای مقام استادی از سال گذشته شروع شده و تعداد آنها نسبت به گذشته بیش‌تر است زیرا عده‌ی زیادی در سراسر کشور به صورت جدی در ۳۰-۲۰ سال اخیر به خوشنویسی پرداخته و به ثمر رسیده‌اند. تعداد قابل توجه هنرمندان به عرصه رسیده‌نویس دوره‌ی درخشانی از هنر خوش‌نویسی را می‌دهد.

**شما جزء استادان کدام سال هستید؟**

سال ۱۳۷۸. در سال ۱۳۵۸ مرحوم استاد عبدالله فرادی، استاد محمد سلحشور، استاد عباس اخوین، مرحوم استاد سیف‌الله یزدانی، استاد فتحعلی واشقانی، مرحوم استاد عباس منظوری، استاد جهانگیر نظام‌العلماء و استاد سعید شمس‌انصاری، همه در نستعلیق استادی گرفتند. دوره بعد سال ۱۳۶۸ بود و استاد علی راهجیری در نستعلیق و استاد یدالله کابلی در خط شکسته به استادی رسیدند.

من و استاد جواد بختیاری مطرح بودیم که رأی اکثریت را هم آوردیم ولی به دلیل این‌که می‌خواستیم رأی مطلق را داشته باشیم، ترجیح دادیم صرف نظر کنیم اما شورای ارزشیابی هنری انجمن تا ۱۰

سال بعد تشکیل نشد و این قضیه عقب افتاد. بالاخره در سال ۱۳۷۸ شورای ارزشیابی شد و ابتدا سه نفر را به عنوان استاد معرفی نمود که بنده و استاد بختیاری و استاد شیرازی بودیم. چند ماه بعد در همان سال صورت جلسه‌ی دیگری از سوی شورای ارزشیابی صادر و اسامی ۸ نفر به عنوان استاد اعلام شد: بنده، استاد جواد بختیاری، استاد علی شیرازی و استاد صداقت جباری در نستعلیق و استاد محمد حسین عطارچیان، استاد محمد حیدری، استاد مجتبی ملک‌زاده و محمد حسین عطارچیان در شکسته و استاد عبدالصمد صمدی و استاد محمد حسینی موحد در نسخ و ثلث.

**در این سه دهه علت گرایش به نستعلیق چه بوده است؟**

نستعلیق خط ملی و رسمی ایرانیان است و در چند جمله نحوه‌ی شکل‌گیری آن چنین بود: پس از حمله‌ی اعراب به ایران و سیطره‌ی زبان عربی هنرمندان خوش‌نویس ایرانی سهم عمده‌ای در پیدایش و تکامل خط کوفی و پس از آن خطوط شش‌گانه به دست ابن مقله فارسی داشتند. از قرن پنجم که زبان فارسی به تکامل نسبی رسید خوش‌نویسان ایرانی خط تعلیق را ابداع کردند و پس دوره‌ای که شعر فارسی در قالب غزل کامل شد به تدریج و در قرن هفتم و هشتم خط نستعلیق برای زبان فارسی طراحی و آفریده شد و در قرن نهم تا یازدهم به اوج کمال خود رسید. بیش‌تر کشورهایی که اعراب بر آن‌ها مسلط شدند تبدیل به کشورهای عربی شدند، حتی در شمال آفریقا که از نژاد سامی نیستند اکنون کشورهای عرب به شمار می‌آیند. درست است که ایرانی‌ها سال‌ها تحت فشار این جریان بودند اما به دلیل فرهنگ غنی‌ای که داشتند ایرانی‌بودن و زبان خود را حفظ کردند و با خلق خط تعلیق و نستعلیق آن را تداوم بخشیدند. خلاقیت هنرمندان خوش‌نویس ایرانی پس از نستعلیق ادامه یافت و خط شکسته ابداع شد و تاکنون در کنار نستعلیق به‌عنوان خط کاملاً ایرانی حضور چشم نواز دارد.

نستعلیق کاربردهای متنوع و بیش‌تری داشت و به‌عنوان خط فارسی و ایرانی پابرجا ماند و این نیاز و خواست جامعه بود که نستعلیق خط اول باشد چون کاربردی‌تر است و از نظر زیبایی هم دراج. چنان‌که عروس خطوط اسلامی لقب گرفته است. البته در انجمن خوش‌نویسان، به دلیل این‌که خط نستعلیق خط اول است گاهی شکسته‌نویسان گله می‌کنند ولی این اتفاق به صورت طبیعی افتاده و در این موضوع کاربردی‌بودن ملاک است نه برتری هنری. آخرین شکسته‌نویس دوره‌ی گذشته مرحوم سید علی‌اکبر گلستانه هم دوره‌ی عمادالکتاب بود و بعد از او دیگر شکسته‌نویسی وجود نداشت و کاملاً به محاق رفت. البته شکسته‌نویسی در سطح پایین ادامه داشت اما کسانی چون استاد کابلی، استاد عطارچیان و استاد غلامرضا مشعشی از دهه‌ی ۵۰ به طور جدی به شکسته‌نویسی پرداخته و آن را احیا کردند. در حالی که خط نستعلیق پس از عمادالکتاب ادامه یافت و توسط استادان نسل اول معاصر به دوره‌ی کنونی منتقل شد و هنوز هم بیش‌تر خوش‌نویسان به نستعلیق نویسی می‌پردازند.

**پس رونق خط نستعلیق و به تبع آن شکسته نستعلیق**

**محصول این سه دهه است؟**

همان گونه که گفتم زمینه‌های آن از حدود ۷۰ سال پیش به وجود آمده و شکل گرفته، شروع ثمردهی و شکوفایی آن از دهه‌ی

۴۰ و ۵۰ است و برای استادان پیش کسوتی که هنوز هم مشغول هنرآفرینی هستند دهه‌ی ۵۰ دوران درخشانی محسوب می‌شود. مثلاً استاد امیرخانی در سال ۱۳۵۲ و استاد خروش در سال ۱۳۵۶ به درجه استادی نایل شده‌اند که نشان‌دهنده‌ی این است که باز آفرینی نستعلیق برای نسل جدید از دهه‌ی ۵۰ آغاز شده. من از دهه‌ی ۴۰ به این هنر علاقه‌مند شدم منتها در آن زمان کودک بودم، منابعی در اختیارم نبود و انجمن در اهواز شعبه نداشت به همین دلیل از سال ۱۳۵۵ به صورت کلاسیک این هنر را آغاز کردم، در حالی که ۱۰ سال بود به صورت‌های مختلف خوش‌نویسی می‌کردم. فعالیت نسل معاصر ریشه‌های تقریباً ۵۰ ساله دارد. در این ۳۰ سال به ویژه در ۲۰-۱۵ سال گذشته که ارتباطها جهانی شده، دنیا خریدار آثار درجه‌یک خط به‌خصوص نستعلیق و نقاشی خط ماست و ۱۵-۱۰ سال اخیر اوج شکوفایی دوران معاصر محسوب می‌شود.

### راجع به خوش‌نویسی کامپیوتری و دیجیتال هم صحبت کنید.

جامعه امروز کامپیوتریزه شده و هر لحظه شاهد ظهور پدیده‌های جدید هستیم؛ انسان‌ها برای افکار و آثار خود فرصت تبلیغ، گفتن، نوشتن و نمایش دادن به صورت‌های گوناگون دارند. در جامعه ما شبکه‌های تلویزیونی، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌ها، تبلیغات و ... عناصر نوشتاری را هم نیاز دارد و این که تمام این‌ها به دست خوش‌نویسان نوشته شود، میسر نیست. در گذشته نوشتن بعضی کتاب‌ها، روی جلد کتاب‌ها، پوستره‌های تبلیغاتی، سر در مغازه‌ها، ادارات، حتی بعضی اوقات نوشته‌های روی اسکناس از کیفیت مطلوب بر خوردار نبود. امروز با توجه به کثرت تقاضا برای نمودهای تبلیغاتی چه به صورت هنری، نیمه‌هنری یا بازاری برآوردن این همه به دست خوش‌نویسان با کیفیت مطلوب امکان‌پذیر نیست.

**شما نه تنها با این پدیده مخالف نیستید، بلکه اعتقاد دارید باید یک سری استانداردهای عمومی هم رعایت شود، زیرا غلطها و حرکت‌های اضافی بسیاری در بازار تجاری خوش‌نویسی می‌بینیم که اگر کامپیوتری شود، قالب استاندارد پیدا می‌کند.**

خوش‌نویسان متوسط می‌توانند به‌عنوان کاربر از خوش‌نویسی‌های استاندارد و نرم‌افزارهای مناسب خوش‌نویسی استفاده کنند تا نیازهای روزمره به خوبی پاسخ داده شود. طرح و فرم‌های گرافیکی که فقط از طریق رایانه امکان‌پذیر است و دست امکان انجام آن را ندارد بسیار مورد نیاز است، از طریق برنامه‌های نرم‌افزاری و فتوشاپ می‌توان تابلوهایی خلق کرد که یک هنرمند برای آفرینش آن مدت‌ها باید کار کند. کار بازاری و آثار هنری که هر کدام جایگاه خود را دارد و هیچ تابلوی ماشینی جایگاه هنری پیدا نمی‌کند و نمی‌توان آن را ارزیابی هنری کرد. از حدود ۱۵ سال پیش در این مورد اقدام شد و ما نرم‌افزار چلیپا را در نستعلیق عرضه کردیم که بیش از هر نرم‌افزار دیگر استفاده می‌شود و برای این نوع کارها استاندارد به وجود آورده است. البته نرم‌افزارهای دیگری هم وجود دارد که برای استفاده روزمره و به کار بردن خطوط استاندارد کمک بسیاری کرده‌اند. از طرف دیگر ارزش کار هنری هم حفظ شده، بلکه ارتقا پیدا کرده به نحوی که حتی خوش‌نویسان

گمنام هم می‌توانند آثار خود را عرضه و به فروش برسانند و به این ترتیب خوش‌نویس د هر دو وجه مسیر خود را یافته است.

### مطلب ناگفته‌ای باقی نمانده؟

بررسی تحول خوش‌نویسی در این ۵۰، ۷۰ یا ۳۰ سال اخیر بسیار گسترده است نسل امروز که از باتجربه‌ها و جوان‌ها تشکیل شده و یک گروه ۵۰ تا ۱۰۰ نفری هستند در خوش‌نویسی حرفی برای گفتن دارند، غیر از استادان پیش کسوتی که هر کدام در خوش‌نویسی یک رکن محسوب می‌شوند. شاید نیاز باشد که هر فرد به تنهایی بررسی شود و مجموعه این‌ها با هم و طیف‌ها و سلیقه‌های مختلف خوش‌نویسی باید مورد مطالعه قرار گیرد. این کاراز سوی کسانی که فرصت و امکان آن را دارند، در همان نشریه‌ای که عنوان کردم می‌تواند صورت گیرد و تا مدت‌ها به این‌گونه مسایل بپردازد. و این‌ها غیر از تمام گذشته‌ای است که به آن به صورت اصولی پرداخته نشده و می‌تواند ده‌ها و صدها کتاب شود. دوره‌ی معاصر که ماحصل همه‌ی تاریخ به‌ویژه ۷۰ سال گذشته است باید به دقت بررسی شود به‌ویژه از این منظور که راه آینده خود را بشناسیم و بدانیم به چه سمتی باید برویم، کشورهای دیگر در دنیای خوش‌نویسی چه مسیری را طی می‌کنند، چه دستاوردهایی دارند، برای خودشان چه برنامه‌ای ترسیم کرده‌اند، برای خوش‌نویسی چه فکری دارند، ما با وضعیتی که داشتیم، وضعیتی که داریم و موقعیتی که آن‌ها دارند، چگونه برنامه آینده خود را با شناخت مناسب نسبت به گذشته و حال ترسیم کنیم.

### چرا خوش‌نویسی نشریه ندارد؟

به دلیل تمام مطالبی که عرض کردم.

### حرکتی را در این زمینه آغاز کرده‌اید؟

جامعه از حوزه‌های مختلف تشکیل شده، شاید اگر این مصاحبه توسط یک خوش‌نویس صورت می‌گرفت می‌توانست بیش‌تر با من بحث و تعامل داشته باشد و مرا به کنکاش وادار کند و بحث برآیند بیش‌تری داشته باشد. خوش‌نویسی هنر انرژی‌بری است و به خوش‌نویس مجال این که هم به خوش‌نویسی و هم حواشی آن بپردازد، نمی‌دهد. حتی بعضی نمی‌توانند به علم خوش‌نویسی هم بپردازند. من به زمینه آموزش و تحقیق علاقه‌مند بودم و کارهایی هم انجام داده‌ام، اما به دلیل این که وقت بسیاری صرف خوش‌نویسی می‌شود، بسیاری از پروژه‌های تحقیقی و آموزشی من معطل مانده است. بنابراین کار روزنامه، مجله یا فصل‌نامه خوش‌نویسی را چون با یک هنر خاص روبه‌روست نمی‌توان با خبر و روزنامه قیاس کرد و باید افراد آن متخصص باشند و به مصالح خاص و طبیعتاً مدیریت و بودجه مناسب نیازمند است. این امر تا الآن را از عهده خوش‌نویسان فعلی با وضعیت و شرایط کنونی انجمن خارج بوده است. از ۲۵ سال پیش و اوایل انقلاب که انجمن شورایی شد نیاز به خبرنامه، فصل‌نامه و مجله پیوسته از طرف انجمن ابراز می‌شد ولی عملاً این کار مقدور نبود، زیرا تمام صاحب‌نظران و استادان خوش‌نویسی نظر داشته‌اند اما وقتی برای انجام آن نداشته‌اند. گاهی اتفاقاتی هم صورت می‌گرفته مثلاً چند شماره فصل‌نامه چلیپا چاپ شد که بسیار هم خوب بود اما ادامه پیدا نکرد. این نیاز کاملاً احساس می‌شود اما هنوز شرایط مهیا نیست.